

تغییر از مجرمین یقه سفید به مجرمین یقه قرمز

سید محمود میر خلیلی^۱ - بهنام خدادوست^۲

چکیده

دلیل اصلی که باعث می‌شود تا جرائم یقه سفیدی به صورت غیر خشن و نسبت به جرائم خیابانی کمتر جدی تلقی شود به دلیل تصور عموم مردم که هنوز نسبت به جرائم یقه سفیدی و نتایج آن درک واضح و روشنی ندارند. این مقاله چند حوزه مهم را شامل خصوصیات رفتاری مجرمین یقه سفید و سوء درک‌های و نتایج عدم درک و رفتارهای ضداجتماعی که نسبت به خشونت مقدم است را دربرمی‌گیرد. با وجود این اگر بخواهیم که جرم یقه قرمز را بشناسیم، لازم است که ویژگی‌های جنایی و رفتاری موجود مجرمین یقه سفید را بررسی کنیم بدین ترتیب به نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها نسبت به خشونت پی ببریم. تحقیقات نشان می‌دهد که بین مواضع ضداجتماعی رابطه‌ای وجود دارد. بر اساس مدارکی می‌توان دریافت که خودشیفتگی و روان‌پریشی زمانی که در کنار تفکرات جنایی قرار می‌گیرند تأثیر منفی ایجاد کرده و به همین دلیل است که مجرمین یقه سفید به مجرمان خشنی تبدیل می‌شوند (پری و برادی، ۲۰۱۲).

چرا این مجرمین یقه سفید مرتکب قتل می‌شوند تا تخلف خود را مخفی کنند؟ کشتن افرادی که ممکن است جنایتشان را شناسایی کند خودکاری خطرناک است.

واژگان کلیدی: مجرم یقه سفید. مجرم یقه قرمز. جرائم خشونت‌بار

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد ساوه (نویسنده مسئول)



مقدمه

جرم یقه سفیدها علی‌رغم اینکه بیش از نیم قرن است که وارد مباحث جرم‌شناسی شده است، در مقایسه با سایر جرائم کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همان‌طور که اشاره شد جامعه‌شناسان کلاسیک نیز بیشتر بر روی جرائم خیابانی تمرکز کرده‌اند، مطالعه این نوع جرم به لحاظ تاریخی به واکنش قضایی در کشور آمریکا برمی‌گردد (فردریش، بی‌تا: ۳). اصطلاح "جرم یقه سفید" اساساً یک اصطلاح جرم‌شناختی است که برای اولین بار توسط "ساترلند" جرم‌شناس بزرگ آمریکایی بیان شده، ساترلند نتایج تحقیقات ۲۵ ساله خود را در کتاب "جنایت یقه سفید" منتشر کرده است

یقه سفیدان به سبب نقش‌های که دارند در دسته‌بندی‌های گوناگونی قرار می‌گیرند اگر این افراد جزء کارمندان عالی‌رتبه دولت باشند "دولتی" و اگر جزء مشاغل دولتی نباشند در دسته یقه سفیدان غیردولتی قرار می‌گیرند. اعضای طبقه حاکمه، سیاستمداران، بازرگانان، حقوقدانان، و همچنین افرادی که در رشته‌های علمی از تخصص بالایی برخوردارند می‌توانند جزء یقه سفیدان شمرده شوند. ساترلند جرم یقه سفیدها را جرمی می‌داند که شخص قابل احترام، برخوردار از یک موقعیت عالی و شأن اجتماعی بالا به دلیل اعتبار و حوزه نفوذ خویش، در جریان شغلی‌اش مرتکب می‌شود (Edvin.h, 1983:7)

«ژرژ پیکا» نیز در کتاب جرم‌شناسی خود در معرفی این دسته از مجرمان می‌گوید: جرم یقه سفید، آن دسته از جرائمی است که افراد متعلق به طبقات بالای جامعه یعنی افرادی که از نظر اقتصادی یا اجتماعی صاحب نفوذ هستند مرتکب می‌شوند که به اعتبار وضع ظاهری آراسته آن‌ها (کت و شلوار تیره، پیراهن سفید و کراوات هماهنگ) جرایم یا بزهکاری آن‌ها را یقه سفید می‌نامند. به اعتقاد «مارک آنسل» نیز این نوع از جرایم محصول فعالیت یک طبقه ممتاز



است. طبقه بی که معمولاً ظاهری آراسته دارند و در سایه قدرت یا توان اقتصادی و اجتماعی خود به ضرر حقوق و منافع دیگران مرتکب سوءاستفاده می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۸).

ویژگی‌های جرایم یقه سفیدی:

۱- مرتکبان این نوع جرایم کم‌تر از طرف قانون تهدید می‌شوند و برخورد سازمان‌های نظارتی با آنان همراه با بی توجهی و اغماض است و افراد جامعه هم زیاد حساسیت ندارد در برابر این نوع جرایم؛

۲- میزان بالای این نوع جرایم کشف نمی‌شود اگر هم کشف گردد. گزارش داده نمی‌شود به همین لحاظ آمار واقعی از این نوع جرایم وجود ندارد؛

۳- اگر چه غالباً توده وسیعی از جامعه، قربانیان واقعی این نوع جرایم هستند و نسبت به جرایم مالی دیگر هزینه‌های سنگین‌تری بر جامعه تحمیل می‌کنند؛

۴- جرایم یقه سفیدان نتیجه فعالیت‌های یک طبقه ممتاز از جامعه است که از قدرت اقتصادی، اقتدار سیاسی و موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار است و در مقایسه با قربانیان این نوع جرایم، متخلفان برای رفع اتهام، قدرت دفاعی بسیار بالایی دارند؛ اگرچه در مقایسه با جرایمی نظیر قتل، تجاوز به عتف و دزدی مسلحانه این نوع جرایم با خشونت بسیار کم‌تری همراه است ولی پیامدهایش بسیار سنگین خواهد بود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ۱۳۸).

«آنتونی گیدنز» جامعه‌شناس انگلیسی در معرفی انواع جرائمی که یقه سفیدان مرتکب می‌شوند، می‌گوید: این اصطلاح انواع بسیاری از فعالیت‌های تبهکارانه را دربر می‌گیرد. از جمله کلاهبرداری‌های مالیاتی، رویه‌های غیرقانونی فروش، کلاهبرداری‌های مربوط به اسناد و املاک، اختلاس، ساخت یا فروش فرآورده‌های خطرناک، آلودگی غیرقانونی محیط و... نکته مهم آنکه به گفته «گیدنز» اندازه‌گیری توزیع جرایم یقه سفیدان حتی از اندازه‌گیری توزیع انواع دیگر جرایم دشوارتر است، زیرا بیشتر این‌گونه شکل‌های جرم اصلاً در آمار رسمی ظاهر نمی‌شوند



- مهمترین پیامدهای این جرایم را به صورت تیتروار میتوان اینگونه ذکر کرد که:
۱. میتواند با گذشت زمان این رفتار انحرافی به رفتاری بهنجار برای سایرین تبدیل گردد.
 ۲. موجب بی اعتمادی مردم نسبت به نظام سیاسی حاکم بر جامعه گردد و بی اعتمادی بزرگترین آفت یک نظام سیاسی محسوب میشود.
 ۳. بدبینی نیز از آثار و نتایج مخرب این پدیده شوم میباشد زیرا تا مدت طولانی افرادی که صاحب این مسند میشوند در معرض اتهام قرار میگیرند.
 ۴. به عنوان یک عامل مهم میتواند موجب هرج و مرج و نابسامانی در جامعه گردد و بدنبال آن فساد اداری و دیگر انحرافات در جامعه افزایش می یابد.
 ۵. سست شدن ارزشهای اجتماعی در جامعه.
 ۶. رواج انحرافات اجتماعی میان یقه سفیدان در حکومتهای دینی سبب سست شدن اعتقادات دینی در میان مردم میشود.
- به هر صورت جرایم یقه سفید بر خلاف جرائم یقه چرکینها دارای تبعات سنگین تری برای جامعه و در کل نظام سیاسی دارد به همین منظور لزوم توجه نظام حقوقی کشور به این مسئله از سه جنبه‌ی ۱- جرم انگاری ۲- پیشگیری ۳- و مقابله الزامی و ضروری به نظر می‌رسد.
- باید گفت هر چند دزدی یک یقه چرکین برای فرار از گرسنگی با دزدی میلیاردی یک یقه سفید هر دو دزدی می‌باشند اما یاد آور این بیت شعر است که:

دانه‌ی فلفل سیاه و خال محبوبان سیاه هر دو جان سوزند اما این کجا و آن کجا!

همین که شخصی از طبقه بالای جامعه بود و مرتکب جرم (از منظر حقوق جزایی) شد به مجرم یقه سفید نامیده نمی‌شود. بلکه وقتی عنوان مجرم یقه سفید محقق می‌شود که مرتکب عملی را که دارای عنوان مجرمانه کیفری و یا جرم از منظر جرم شناسی باشد، به واسطه نفوذ



و قدرت سیاسی و توان مالی و با توسل به حيله و مخفی کاری و بدون زور فیزیکی برای تحصیل پول یا مال یا مزایای شغلی انجام دهد؛ بنابراین اگر فردی از طبقه بالای جامعه مثلاً مرتکب قتل شود تحت عنوان مجرم یقه سفید قرار نمی گیرد و در این صورت با مجرم یقه آبی هیچ فرقی ندارد. بلکه تحقق عنوان مجرم یقه سفید وقتی است که مجرم با استفاده از نفوذ سیاسی و اقتصادی و... خود عمل متقلبانه‌ای را بدون توسل به زور انجام دهد.

FBI مجرمین یقه سفید را اینگونه معرفی می‌کند؛ مجرمین یقه سفید اشخاصی هستند که با ارتکاب اعمال غیرقانونی و با فریب و مخفی کاری یا سوءاستفاده از اعتماد مردم و مسئولین، بدون اتکاء به خشونت و تهدید، برای دستیابی به پول، مال یا خدمات یا برای اجتناب از پرداخت پول یا از دست دادن پول یا خدمات یا برای تضمین نفع شخصی یا شغلی می‌کوشند. [طبق این تعریف مجرمین یقه سفید هم می‌تواند شخص حقیقی باشند و هم شخصیت حقوقی (مثل سازمانها و مؤسسات).]

به‌طور خلاصه مهمترین مصادیق جرایم یقه سفید را میتوان اینگونه برشمرد:

کلاهبرداری: منظور از کلاهبرداری صرفاً کلاهبرداری سنتی و آنچه در تعریف قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری میگنجد، نیست؛ بلکه مقصود کلاهبرداری از بخش عمومی با توسل به وسایل متقلبانه برای چپاول اموال عمومی است. اختلاس، جرایم مالیاتی، جرایم مربوط به بیمه و برقراری مستمری و حقوق بیکاری برای افراد فاقد شرایط، از مهمترین عناوین مجرمانهای هستند که مجرمین یقه سفید مرتکب میشوند. در بیشتر موارد رفتار مجرمین یقه سفید ظاهری کاملاً قانونی به خود میگیرد. در واقع آنان با حيله‌های قانونی طوری رفتار میکنند که الفاظ و ظاهر قانون رعایت میشود؛ هرچند روح قانون نقض میشود.

(McBarnet, 2006, 22)



فساد مالی: بارزترین مصداق فساد مالی «ارتشاء» است، ولی دایره شمول «فساد مالی» وسیعتر از ارتشا است. سوءاستفادههایی که در مزایدهها و مناقصه های عمومی، اعطای امتیازات و تسهیلات عمومی صورت میگیرد، همگی مشمول این عنوان است. اعمال نفوذ بر مقامات سیاسی و نمایندگان مجلس برای طرح یا تصویب موضوعی خاص که منافع سرشاری برای گروهی خاص به همراه دارد، از دیگر مظاهر فساد مالی است. همچنین فساد مالی در معاملات بینالمللی اعم از صادرات و واردات و سرمایه گذاری خارجی امر شایعی محسوب می شود.

جرایم استخدامی: در این زمینه استخدام و گماردن افراد مورد نظر در منصب های کلیدی خارج از ضوابط قانونی و محروم کردن متقاضیان واجد شرایط از حق اشتغال و نیز رفتار تبعیض آمیز با مستخدمان و محروم کردن مستخدمین از حقوق قانونی خود، ابعاد مختلف قضیه را نشان میدهند. مجرمین یقه سفید با شگردهای به ظاهر قانونی، مستخدمان را از حقوق قانونی اعم از سلامت و ایمنی محیط کار و تضمینات شغلی محروم میکنند.

جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان: دامنه جرایمی که حقوق مصرف کنندگان را نقض میکنند، شامل مراحل مختلف تولید، توزیع و فروش کالاها و خدمات میشود. این جرم برخی اوقات به صورت کلان توسط تولیدکنندگان کالاها با عیوب پنهانی صورت میگیرد و گاهی توسط فروشندگان جزء به صورت ارائه کالاها یا معیوب و فاقد حداقل معیارهای لازم یا ارائه کالا با برچسب غیرواقعی یا با قیمت غیرواقعی به وقوع میپیوندد (Croal, 2001, 8:36).

جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی: این جرایم ماهیتاً در چارچوب عنوان قبلی قرار میگیرند؛ اما به خاطر اهمیت آن نسبت به سلامت افراد و ویژگیهای خاص آن جداگانه دستهبندی و بررسی میشوند. مواد غذایی نیز نوعی کالا به شمار میرود که نهایتاً مصرفکنندگان



جهت استفاده خریداری میکنند. با این حال، کیفیت و بهداشت مواد غذایی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ از این رو در اغلب کشورها مقررات خاصی در این زمینه تدوین شده است. علاوه بر نقض مقررات بهداشتی و کیفیت لازم و الصاق برچسبهای خلاف واقع، در کشوری نظیر ایران که به مایحتاج ضروری مردم و در رأس مواد غذایی یارانه دولتی تعلق میگیرد، سوءاستفاده از یارانههای اختصاص یافته و یا تحصیل خلاف قانون این یارانه‌ها یکی از موارد بارز جرایم ارتكابی یقه سفیدها محسوب میشود. عدم آگاهی خریداران مصرف کننده از کیفیت و بهداشت مواد غذایی و دارویی و حساس بودن و فراوانی میزان عرضه آن موجب میشود تا متخلفین فرصت طلب منافع زیادی را عاید خود کنند (Norbert et al, 2006, 2:3)

جرایم زیست محیطی: مجرمین یقه سفید با اعمال نفوذ در نظام حکومتی اقدام به پاره‌های اقدامات سودجویانه غیرمجاز میکنند که منجر به صدمه به محیط زیست بشری میشود. برای نمونه احداث کارخانجات خارج از استانداردهای لازم و در اماکن غیرمجاز میتواند منجر به آلودگی هوا از طریق فعالیت کارخانه به خاطر عدم رعایت کیفیت مورد نیاز باشد. همچنین آلودگی صوتی برای ساکنین و ریختن غیرمجاز ضایعات در محیط زیست که نهایتاً موجب آلودگی محیط خشکی یا آبهای رودخانه‌ها، دریاها و دریاچه‌ها میشود، نمونه‌های دیگری از جرایم زیست محیطی هستند.

جرایم رایانه‌ای: گسترش رایانه و اینترنت در کنار فواید فراوان علمی و اقتصادی، برای مجرمین یقه سفید نیز امکاناتی فوق‌العاده برای کسب منافع غیرقانونی ایجاد کرده است. ورود غیرمجاز به بانک اطلاعاتی رایانه‌های متعلق به سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و سوءاستفاده از آن و همچنین تخلیه کارتهای اعتباری دیگران از مصادیق بارز این جرایم هستند. تردیدی نیست که رایانه و اینترنت علاوه بر این، برای تسهیل ارتكاب سایر جرایم از قبیل جعل و



کلاهبرداری مورد سوءاستفاده قرار میگیرند. جرایم گمرکی: به منظور حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان داخلی و نیز ایجاد منبع درآمد برای دولت، کشورهای مختلف حسب سیاستهای کلی خود مقرراتی برای واردات و صادرات کالا وضع کرده اند تا برای ورود و صدور هرکالایی مبالغی دریافت گردد. اصولاً برای ورود کالاهای لوکس و تزیینی که مایحتاج ضروری مردم به شمار نمیروند و گران قیمت هستند، عوارض گمرکی بیشتری دریافت می شود؛ در نتیجه قیمت این کالاهای وارداتی به صورت تصاعدی بالا میرود. بنابراین، اگر گروههایی بتوانند بدون پرداخت حقوق و عوارض قانونی اقدام به ورود این کالاها نمایند، سود سرشاری نصیب خود میکنند. ایجاد کانالها و اسکلههای خارج از نظام گمرکی و نیز اعمال نفوذ و عدم پرداخت عوارض قانونی نمونههای بارز این جرایم هستند

خشونت جرم یقه سفیدی

یکی از مهم ترین تصورات غلط راجع به جرم یقه سفیدی، که این تحقیق انرا رد می کند، این مفهوم است که این جرائم خشن نبوده و توسط افرادی که ماهیتاً خشن نیستند به انجام می رسد. این تصور غلط خطرناک به این دلالت می کند که جرائم یقه سفیدی مضر نبوده، و در نتیجه با خشونت انجام نمی شوند. این استدلال غلط نیز نشان می دهد که مجرمین یقه سفید نمی توانند کارهای خشن را مرتکب شوند، ممکن است به فرضیه ای منجر می شود که این مجرمان باید نسبت به مجرمان خیابانی عادی کمتر خطرناک مدنظر گرفته شده و با آنها رفتار شود. روزن مارکل (۲۰۰۱) خاطر نشان می سازد که در رابطه با میزان جدیت جرائم یقه سفید به مطالعاتی برای رتبه بندی جرائم دولتی به انجام رسیده که هرگروه از مطالعات با جرائم



خیابانی تقریباً برابری می‌کند. این دیدگاه این نوع خطا را به اثبات می‌رساند که مجرمانی که جرائم یقه سفیدی را به انجام می‌رسانند خشن نبوده یا گرایش‌های خشن را ندارند. بازپرسان قانون و کارکنان نیز درک‌های مشابهی دارند که مجرمین یقه سفید خشن نبوده و زمانی که در مورد آن‌ها بررسی می‌شود خطری برایشان ندارد. استات لند (۱۹۷۷) ادعای جسورانه‌ای کرده و نشان می‌دهد کارآگاهانی که در مورد جرائم یقه سفیدی کار می‌کنند لازم نیست نسبت به خشونت نگران باشند بخاطر اینکه این نوع مجرمان به ندرت حمله کرده یا ضرب و جرح می‌کنند. این سخن منسوخ شده و واقعیت امروزی جرائم یقه سفیدی را منعکس نمی‌کند. باید بخاطر بسیاری که بازپرسانی که در مورد این نوع جرائم به‌علاوه مجرمان سنتی کارمندی امروزی و گذشته کار می‌کنند در هر دو حوزه نیز فعالیت داشته باشند. این سخن به این دلالت نمی‌کند که مجرمین یقه سفید نمی‌توانند کارهای خشن را انجام دهند. نویسنده معتقد است هرکسی به این دلیل خشن می‌شود که فشاری را به او وارد شده و جریان‌های امور به‌صورت کلی به انجام می‌رسند.

مفهوم جرم یقه قرمز

در این نظریه خشونت مجرمین یقه سفید نسبت به قربانیان خود پدیده‌ای است که بسیاری از پژوهشگران و محققین آنرا رد کرده‌اند را می‌آزماید. به سبب درک و فرضیه که این جرائم به‌عنوان جرم شهوانی تحت جریان‌های خارق‌العاده مرتکب شده باشد صورت نگرفته است. همچنین براین باور هستیم که اکثر این نوع جرائم حوادثی است که به‌صورت منفرد و تکی رخ می‌دهند. واقعیت این است که اگرچه بسیاری درباره این نوع جرائم این چنین می‌نویسند که بخاطر شهوت صورت گرفته؛ انگیزه واقعی که ماورای این کارهای خشن و شریر وجود دارد



پوششی برای تخلف است. پری و لیچن والد (۲۰۰۰: ۱۸) ارتباط این نوع رفتار خشن را ازموده و انرا جرم یقه قرمز نامیده است. این نوع تخلفات کوچک را به‌عنوان گروه زیر مجموعه جرائم خشن سنتی کارمندی توصیف کرده‌اند و خطر شناسایی تخلف را به‌عنوان انگیزه ای این نوع قاتلین توضیح می دهند:

این زیر مجموعه به‌عنوان جرائم یقه قرمز بدان اشاره شده بخاطر اینکه هر دو حوزه جرم یقه سفیدی، و سرانجام در حوزه جرم خشن نیز وجود داشته‌اند. در جریاناتی که خطر را شناسایی می کنند، مجرمین یقه سفید دولتی کارهای شهوانی را برای ساکت کردن افرادی که تخلف شان را شناسایی کرده و انرا برای جلوگیری از افشای بیشتر مرتکب می شوند. پری و لیچن وارد (۲۰۰۷) نیز به واژه خودکشی شناسایی تخلف اشاره کرده‌اند تا این نوع رفتار خشن را توصیف نمایند. حالاتی که در این مقاله بحث شده، همگی کارهای خشن را بعد از مرتکب شدن تخلف به انجام می رسانند. این کارهای خشن برای مخفی سازی تخلف و از طریق ساکت کردن قربانی یا شاهدهی که آن‌ها را شناسایی کرده یا در موقعیتی بوده که متوجه جرم شده به انجام می رسند.

سؤال باقیست: چرا این مجرمین یقه سفید قاتل می شوند تا تخلف خود را مخفی کنند؟ کشتن افرادی که ممکن است جنایت شان را شناسایی کند خود کاری خطرناک است. باوجوداین از دیدگاه مباشر تخلف، خطر زمانی است که تمایل دارند تا کاری را انجام دهند. پری و لیچن والد (۲۰۰۸: ۲۸) اشاره می کند که:

مجرمین یقه سفید می توانند بخاطر انجام کارهای خلاف کارهای خلاف دیگری را نیز انجام دهند، می توانند مانند سوسماری خودشان را با محیط وفق بدهند.

نحوه بازپرسی از یقه قرمزها در مورد کلاهبرداری



واقعا مشخص نیست زمانی که همه چیز درست بوده کدام یک از کارکنان می توانند این چنین کارهایی را انجام داده و نسبت به کارکنان دیگر از زور و فشارهایی استفاده کنند. بسیاری از کارکنان انگونه نیستند که بخاطر قتل خود را در خطر اندازند به همین دلیل از نفر دیگری استفاده می کنند که تا او را به عنوان قاتل معرفی کنند یا اینکه اغلب اوقات خیلی سخت است که بخواهیم به کارمندی اهانت کرده و او را به عنوان قاتل معرفی کنیم. بازپرسی که در مورد کلاهبرداری تحقیق می کنند (و بازپرسی دیگر) باید توجه کنند که مجرمان دولتی به محض اینکه با مشکلی مواجه می شوند به قتل به عنوان تنها راه حل می اندیشند. مهم ترین موضوع برای کسی که در مورد کلاهبرداری تحقیق می شود این است که باید نسبت به خطرات بازپرسی آگاه باشد. بازپرسی که در مورد کلاهبرداری تحقیق می کند باید به عنوان افسر قانونی پلیس کار خود را ادامه دهد و از روش های دیگری وارد شود. بازپرس باید زمان بازپرسی در مورد کلاهبرداری خود را برای بدترین وضعیت ها آماده کند.

این مورد مخصوصاً زمانی که از افرادی که در کلاهبرداری مشارکت دارند و مظنون بوده و بازجویی می شوند درست خواهد بود. بازپرس ممکن است که به هنگام بازجویی در مورد کلاهبرداری با افرادی که از آنها بازجویی می کند در معرض بالاترین خطرات قرار داشته باشد. بخاطر اینکه در این زمان او با بازجویی می تواند به حقایقی دست یافته و بدین ترتیب نتایج این چنین بازجویی ها ممکن است دامنگیر او شده و در معرض آنها قرار گیرد. زمانی که در بازجویی به مظنونی فشار وارد می کند و مظنون نمی تواند بر استرس و اضطراب خود غلبه کند بازپرس ممکن است از خشونت و ارعاب نیز به هنگام بازجویی استفاده کند. مجرمان دولتی نیز مانند دیگران بوده و اغلب اوقات همانند دیگران رفتار می کنند. درست نیست فکر کنیم که مجرمین یقه سفید کلیشه ای برخورد می کنند، و رفتار مشخصی در مورد مجرمین یقه



قرمز نیز وجود ندارد آن‌ها همانند سایر افرادی که در این چنین وضعیت هایی رفتار می کنند، رفتار خواهند کرد.

هرکسی می تواند مجرم یقه سفیدی بوده و خشن باشد. با این طرز فکر، نتیجه می گیریم که هرکسی می تواند زمانی که در یک وضعیت مشخصی به او فشار وارد شود، مجرم یقه قرمز باشد. بازپرسانی که در مورد کلاهبرداری تحقیق می کنند باید نسبت به خطرات بازجویی یا نسبت به آن موضوع آگاه بوده و آنرا نادیده نگیرند، سهل انگار یا زیاد اسوده خاطر نباشند. خود را برای هر رویدادی حتی یافت مدرک آماده کنند. شاید لازم باشد که بسیاری از بازپرسان مخصوصاً بازپرسانی که در مورد کلاهبرداری تحقیق و بررسی می کنند آموزش دوره هایی فوق العاده و خاص برایشان ضرورت دارد. شاید استفاده از اسلحه گرم یا حداقل روش های دفاع شخصی ضرورت دارد زمانی که متوجه شوند وضعیتی که در مورد آن بازجویی و تحقیق می کنند ممکن است که به یک وضعیت خشن تبدیل شود. شاید عملی نباشد ولی بازپرسانی که در مورد کلاهبرداری تحقیق می کنند، حسابداران، و دیگر افراد حرفه ای قانون شاید تمایل داشته باشند که زمان بازجویی، افسر پلیس مجربی در کنارشان باشد. همه افراد حداقل (مثل مشابه مواردی که قانون افراد را تحت فشار می گذارد) زمانی که در مورد مجرمین مظنون یقه قرمز تحقیق و بررسی می کنید/یا آن‌ها را بازجویی می کنید باید موارد احتیاطی را مدنظر داشته باشند.

دلیل اصلی که باعث می شود تا جرائم یقه سفیدی به صورت غیرخشن و نسبت به جرائم خیابانی کمتر جدی تلقی شود به همین دلیل عموم مردم هنوز نسبت به جرائم یقه سفیدی و نتایج آن درک واضح و روشنی ندارند. رازن مرکل (۲۰۰۱: ۳۲۵) معتقد است که برای تغییر درک عمومی جامعه، باید جرائم یقه سفیدی و خطرات آنرا دقیق تر نشان داده و باید با روشی این پدیده را معرفی کنیم تا عموم مردم آنچه که هست را بخوبی بشناسند:



[...] باید مشکل کمیسیون را به عنوان قانون شکنی تلقی کنیم. فقط بعد از آنست که شاید بتوانیم مشکل واقعی را تشخیص دهیم، مشکلی که از جرائم یقه سفیدی ناشی شده است. امیدواریم مواردی که در حوزه های بالا نشان داده شد همان هایی بودند که قبلاً " نادیده گرفته شده بودند. توجه داشته باشیم زمانی که در مورد جرائم یقه سفیدی تحقیق و بررسی می کنیم این احتمال وجود دارد که جرم یقه سفیدی می تواند به جرم خشنی تبدیل شود که باید نسبت به این چنین وضعیتی آگاه باشیم. آگاه باشیم و خودمان را نسبت به خطراتی که در رابطه با بازپرسی جرائم یقه سفیدی وجود دارد آماده کنیم. محققین آینده شاید تمایل داشته باشند که جرائم یقه سفیدی را از نزدیک مطالعه کنند تا تفاوت های افراد، ویژگی های شخصیتی مثل اختلالات روانی را تشخیص دهند، ممکن است موجب شود که فرد رفتار خشنی داشته باشد. در نهایت، اگر زمانی که خشونت فرد مظنون افزایش می یابد باید بتوانیم این نوع رفتار را درک کرده و شناسایی کنیم.

این مقاله چند حوزه مهم را شامل خصوصیات رفتاری مجرمین یقه سفید و سوء درک های و نتایج عدم درک و رفتارهای ضد اجتماعی که نسبت به خشونت مقدم است را دربرمی گیرد. باوجود این اگر بخواهیم که جرم یقه قرمز را بشناسیم، لازم است که ویژگی های جنایی و رفتاری موجود مجرمین یقه سفید را بررسی کنیم بدین ترتیب به نحوه تصمیم گیری آنها نسبت به خشونت پی ببریم. متأسفانه، برخلاف اینکه این متجاوزین شرارت های بزرگی را مرتکب می شوند (فردریش، ۲۰۰۷)، که مالی، احساسی، یا فیزیکی بوده (پلیت، ۲۰۰۳)، خصوصیات مجرمین یقه سفید مشخصات رفتاری آنها بر اساس میزان ضرر و زیانی که به جامعه وارد می کنند بررسی می شود و لولاینکه این تجاوز، در زمان هایی، نسبت به جرائم خیابانی جدی تر است (هارل، ۲۰۱۵). در این مورد تعصباتی وجود دارد، که ایا این نوع رفتار آگاهانه است، درباره خصوصیات مجرمین یقه سفید چیزهای دیگری وجود دارد که کاملاً "



متفاوت است و نسبت به متجاوزین غیرکارمندی انالیز متفاوتی را نشان میدهد و سعی بر آن دارد تا رفتارهای جنایی و مشابهت آن‌ها را بیازماید (برادی، ملندی و پری، ۲۰۱۲).

علاوه براین، پژوهش در مورد مجرمین یقه قرمز به لحاظ تاریخی و خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری این چنین متجاوزینی کم بوده است (سیمپسون، ۲۰۱۳)، باوجوداین، این سخن بدین معنی نیست که ویژگی‌های رفتاری وجود دارد که بر همان اساس تصمیم‌گیری سهل و آسان می‌شود (الآلت و ۲۰۰۳). واقعیت این است که این متجاوزین نسبت به دیگران خشن بوده و بدین ترتیب مفاهیم سنتی جنایی را نیز منعکس نمی‌کنند یا با روش‌هایی می‌توان متوجه شد که دیگران با چه دیدی نسبت به آن‌ها می‌نگرند و این سخن بدین معنی نیست که آن‌ها نسبت به دیگران آسیبی وارد نمی‌کنند و قادر به انجام این چنین کاری نیستند. بر اساس تحقیقاتی مشخص شده که مجرمین یقه سفیددو پایه با روش‌ها و شکل‌های مختلفی نسبت به دیگران خشونت می‌ورزند و/یا شرکت‌ها به آن‌ها انگیزه ای می‌دهند که نسبت به متجاوزین غیرکارمندی که جنایاتی را مرتکب می‌شوند متفاوت نیست (پری، برادی و پاپرنی، ۲۰۱۴). از انجایی که پژوهشگران در مورد مجرمین یقه قرمز خشن هنوز تحقیق نکرده‌اند (برادی و کیل ۲۰۱۰). اگر رفتار متداول مجرم عوامل مهم خطرناکی باشند، جرم کارمند قانونی بوده و لازم است که زمینه این نوع تجاوزات و متجاوزین مشخص شده و علل آن بررسی شود (لیستوان، پیکوئرو و ون هوریس، ۲۰۱۰).

همچنین مشارکت زنان در جرم یقه سفیدی که در نهایت به خشونت مرگبار منجر می‌شود و همچنین تمایزات و مشابهت‌های جنسیتی را نیز مورد توجه است. به‌علاوه، مولفین با مثال‌هایی نشان می‌دهند که جرم یقه قرمز نه تنها به حوزه محل کاری نفوذ کرده، بلکه به محل‌های پیش‌بینی نشده‌ای مثل خانواده که اعضای خانواده دیگر اعضای خانواده را از طریق



کلاهبرداری به کارمی گیرند و سرانجام اعضای خانواده کشته شده یا سعی می کنند که زنده بمانند و بدین ترتیب جریان کلاهبرداری خاتمه می پذیرد.

مجرمین یقه قرمز اغلب اوقات برخلاف سیستم جنایی که به انجام می رسد با قانون کار خود را دنبال کرده به علاوه خشن نبوده و ضد اجتماعی نیز [نیستند] (مائر، ۱۹۷۴: ۱۵۲). سوء تصویری که نسبت به جرائم یقه سفیدی وجود دارد این است که خارج از خصوصیات تجاوز است بخاطر اینکه مجرمان یقه سفید، که در کل فرهیخته، استخدام شده، و مطیع قانون، و رفتار اخلاقی را در زندگی های خود نسبت به دیگران نشان داده و بنابراین برخلاف گستردگی ضرر و زیانشان کمتر جنایت می کنند (برادی، ملندی و پری ۲۰۱۲). این سوء تفاهم در طول چندین دهه ادامه داشته بخاطر اینکه پژوهشگران علوم مختلف اجتماعی و رفتاری ویژگی های تفکر جنایی مجرمین یقه قرمز را متوجه نشده‌اند و این نوع تفکرات با نحوه تفکر متجاوزین غیرکارمندی تفاوت هایی دارد. محققان جنایی بیشتر به جرائم عادی مثل خشونت، مواد مخدر و جرائم مرتبط با دارایی و اموال توجه کرده‌اند (لیلی، کالن و بال ۲۰۱۱) به علاوه کارهای موجود در شرکتی را که ممکن است عوامل مؤثر بر کلاهبرداری را ایجاد نماید را بررسی می کنند (ساترلند، ۱۹۴۹) در حالی که ویژگی های شخصیتی که به نحوی عوامل قدرتمندی در کلاهبرداری مجرم بوده را رد می کنند (پری، لیچن والد و میکزکواسکا، ۲۰۱۴). مجرمان غیرکارمند و کارمند نحوه تفکر جنایی ثابتی و دیدگاه هایی درباره دیگران و/یا موقعیت هایی را نشان می دهند که باید کشف شده و این تفکرات در رابطه با خشونت به کارگرفته شده همانطوری که بی توجه به وضعیت اجتماعی اقتصادی مجرم خود راه حلی است. (سیمناو، ۱۹۸۴).



نحوه تفکر و دیدگاه های جنایی مجرمین یقه قرمز

روان شناس جنایی قانونی آقای دکتر استانتون سیمنو در طی ۴۰ سال مطالعه، ارزیابی، و رفتار مجرمان، او متوجه شد فردی که کاری را انجام می دهد که مطابق خصوصیات او نیست (سیمنو، ۲۰۱۰b). او همچنین بیان می کند که اغلب اوقات نبود اطلاعات درباره جنبه های خاص رفتاری شخص، نحوه تفکر و نحوه اندیشیدن نسبت به رفتار مجرم مقدم بوده و انرا نشان داده، از انجایی که خودشان در فرصت های کوتاهی این نوع کارها و رفتارهایی را نشان می دهند (سیمنو، ۲۰۱۰a). واقعیت این است که مجرم عملی را انجام می دهد که در سبک زندگی عادی او وجود ندارد، یا مجرم دوست دارد که به جای اینکه جرمی را بخاطر انگیزه ای انجام دهد که معنایی نداشته از روش دیگری استفاده می کند که مطابق خصوصیات او نیست یا رفتارهای ضد اجتماعی را از خود نشان نمی دهند (پری، ۲۰۱۴).

عوامل رفتار تهدید آمیز مجرم یقه قرمز

اگرچه، ادوین ساترلند مفهومی را که رفتارها و شخصیت بدی که شخص آن‌ها را مرتکب شده را رد می کند که همین رفتارها و شخصیت به درک جنایت کمک کرده، به عوض اینکه به اصولی توجه کنیم که چرا افراد جرم و جرم کارمندی را مرتکب می شوند (پری لیچن والد و میزک کواسک، ۲۰۱۴). ساترلند بر اساس این واقعیت این چنین فکر می کند که مجرمان یقه سفید برای جامعه بسیار خطرناک بوده و هر نوع جانی بر اساس دیدگاه های خود می تواند به اموال شخصی و موسسات جامعه خساراتی را وارد کند (ساترلند، ۱۹۳۴: ۳۲). این به سبب دیدگاه های خصمانه ای است که جامعه شناسان و جرم شناسانی مثل، ساترلند، نسبت به رشته های دیگر مثل، روان پزشکی و روان شناسی نشان داده‌اند سعی می کنند که شخصیت جانی را به گرایشات جنایی ارتباط دهند. تاثیر تفکر ساترلند دیگر پژوهشگران را نیز متاثر کرده که



خصوصیات شخصیتی را به‌عنوان عاملی رد می‌کنند که با توسعه و پالایش خصوصیات جنایی می‌توان عوامل تهدیدآمیزی که آن‌ها به جامعه نشان می‌دهند را درک کرد.

در نتیجه، در طول دهه‌ها به‌خصوصیات رفتاری مجرمانه یقه سفدها توجه نکرده ایم که ممکن است در هر دو گروه‌های نخبه و غیرنخبه وجود داشته باشد. برای مثال، محققانی مثل شاور و گرابوسکی بیان می‌کنند که [ما] اصلاً علاقمند نیستیم بدانیم که چرا بعضی افراد و شرکت‌ها نسبت به برخی دیگر جرائم یقه سفیدی را خیلی بیشتر مرتکب می‌شوند (۲۰۱۰: ۴۳۰). محققانی مانند جیمز کولمن این چنین بیان می‌کند که [او] در کل معتقد است که شخص روانی در نوع جرم یقه سفیدی نقش بسیار مهمی را ایفا نمی‌کند (کولمن، ۲۰۰۲: ۱۸۴)، در واقع، بسیاری از محققان این چنین نتیجه‌گیری را پذیرفته‌اند بخاطر اینکه فقط چند مطالعه تجربی در مورد موضوع که به واقع انجام شده وجود دارد (همان، ۱۸۵). با توجه موضوع، مجرمان یقه سفید، هست (۱۹۸۴) این چنین بیان می‌کند که چرا افراد عادی به لحاظ روان‌شناسی درست عمل کرده، و افرادی که نتیجه‌عادی ارزشمند را به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نشان می‌دهند، گاهی اوقات بخاطر انجام کارهای خلاف از منافع بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این، به سخن ال‌لهتو (۲۰۱۵) توجه کنید که [اکثریت] مجرمان جرم یقه سفید بخاطر انجام کارهای روان‌پریشی معذب نمی‌شوند.

در روش مدرن تحقیق، جرم‌کارمندی با خصوصیات رفتاری مجرم ارتباط دارد و عامل خطرناکی در هنگام ارتکاب جرم بوده و لولاینکه نحوه رفتار ممکن است قانونی شمرده شده و مشخص شود که بعضی رفتارها، رفتارهای متداول مجرمان است (رامامورتی، ۲۰۰۸). در رابطه با نحوه رفتار و خصوصیات رفتاری مجرم داستان‌های بیشتری وجود دارد که دیگر بدان‌ها توجهی نمی‌شود و بر اساس تحقیقات مشخص شده که مجرمان دقیق‌تر عمل کرده و بر اساس حدس و گمان نیست که این واقعیت را نشان می‌دهد. آنچه که مشخص است و هرروز



این چنین عقیده ای طرفداران بیشتری پیدا می کند زمانی که مجرمان یقه قرمز به شیوه های مختلفی خشونت خود را بروز می دهند تا انگیزه خود را نشان دهند که خشونت تنها راه حلی است که بدان می اندیشند. تحقیقات معاصر نشان می دهد که خصوصیات رفتاری و شخصیتی نباید نادیده گرفته شود بخاطر اینکه رفتارهای غیرعادی ممکن است در زمان هایی نشانه هایی برای رفتار جنایی مجرم یقه سفید باشد و درست زمانی است که نحوه تفکری او مشخص می شود (راگاتز، فریمو و بیکر، ۲۰۱۲).

بر اساس تحقیقات روان شناس قانونی، آقای دکتر رابرت هیر، کلاهبرداری های مجرم یقه قرمز ممکن است ترکیبی از تفکر جنایی و خصوصیات رفتاری باشد، که شامل معرفیت، میل به فریب، گول زدن، دستکاری، نبود همدردی، و پشیمانی نسبت به دیگران باشد که به تازگی به آن ها پی برده است، سنگدل بوده و پشیمان نیز نیستند (کاروزا، ۲۰۰۸: ۳۸). تحقیقات نشان می دهد که بین مواضع ضد اجتماعی رابطه ای وجود دارد، بر اساس مدارکی می توان دریافت که خودشیفتگی و روان پریشی زمانی که در کنار تفکرات جنایی قرار می گیرند تأثیر منفی ایجاد کرده و به همین دلیل است که مجرمین یقه سفید به مجرمان خشنی تبدیل می شوند (پری و برادی، ۲۰۱۲). علاوه بر این، بر اساس خصوصیات رفتاری می توانیم بگوییم که آن ها از خشونت استفاده می کنند؟ مجرمین یقه قرمز در یک وضعیت خشن از خود واکنش نشان می دهند یا زمانی که دستوری می دهند خشونتی که از آن استفاده خواهند کرد زمانبر خواهد بود، پس به این فکر کنید که چگونه می توانند ادم هایی را بکشند؟ نویسنده به موارد احتیاطی اشاره کرده که خصوصیات رفتاری بوده که در زیر بحث می شوند و نباید به عنوان عامل رفتار جنایی تفسیر شود، ولی در جرم مجرم یقه قرمز به عنوان عامل خطر تلقی می شود.



نوع خشونت: استفاده از آلت قتل یا واکنشی

برای طبقه بندی نوع خشونتی که مجرمین یقه قرمز انرا انجام داده، نویسنده از قالب پیشنهادی وودورث و پارتر (۲۰۰۲) استفاده کرده است. زمانی که آدم کشی با آلت قتل به انجام می‌رسد، قانون شکنی بر اساس هدفی شکل گرفته و شواهد نشان می‌دهد که بر اساس احساسات و بر اساس وضعیت نبوده است. خشونت که با آلتی انجام می‌شود، خشونت است که بر اساس انگیزه‌های دیگر به انجام رسیده است (هارت و دمپستر، ۱۹۷۷). اگر بین زمان‌های تحریک/ناکامی و آدم کشی فاصله زمانی قابل تشخیصی وجود داشته باشد، در این صورت آدم کشی از نوعی است که با آلت قتل به انجام رسیده و در همین گروه طبقه بندی می‌شود (وودورث و پارتر، ۲۰۰۲: ۳۴۹). برعکس در قتل بر اساس واکنش، شواهد و مدارک نشان می‌دهد که خیلی ناگهانی و بدون برنامه ریزی برای دریافت کارمزد، قانون شکنی انجام می‌شود. واکنش سریع نسبت به عملی که هیچ هدف مشخصی برای آزار و اذیت قربانی بر اساس تحریک/ناسازگاری است.

خشونت واکنشی روشی دیگر است، خود پایان ماجراست (هارت و دمپستر، ۱۹۷۷). خشونت واکنشی در بین اعضای خانواده و اشنایان رواج داشته در حالی که خشونت با آلت قتاله در بین غریبه‌ها رواج دارد. از انجایی که به موارد مجرمین یقه قرمز علاقمندیم این نوع جرائم برخلاف دیگر موارد و جرائم بوده و کاملاً "درست است، مجرم قربانیان را می‌شناسد، صحنه‌های جرم واکنشی، نوع انرا نشان می‌دهد ولی خشونت با آلت قتل بنا به ماهیت خود متفاوت خواهد بود. نویسنده همه عوامل موجود را لیست کرده نشان می‌دهد که مجرم خشونت واکنشی را نشان نمی‌دهد، ولی بر اساس باوری که کلاهبرداری او لو رفته یا برای دولت افشا شده برای قتلی برنامه ریزی می‌کند. مرور محاکم نشان می‌دهد بین عقیده مدعی علیه که کلاهبرداری او لو رفته یا افشا شده و آدم کشی زمان مشخصی بنام فاصله زمانی وجود دارد.



اگر واقعیاتی که نوع خشونت بر اساس آن‌ها مشخص می‌شود مبهم باشد، مورد ناشناخته خواهد بود.

خودشیفتگی، مجرم یقه قرمز و خشونت

خودشیفتگی عامل خطرناکی برای کلاهبرداری مجرم به شمار می‌رود (بلیکل، شلگل، فاسبندر، ۲۰۰۶، باسی، ۲۰۰۸) و عامل خطرناکی است که مجرمین یقه قرمز بخاطر آن قتل مرتکب می‌شوند (پری؛ ۲۰۱۱). برخی از خصوصیات موجود خودشیفتگی شامل بزرگ‌نمایی، حس حق‌استحقاق بر منابع، بی‌توجهی به موقعیتی که دیگران در آن قرار دارند، انتفاع، نبود حس همدردی، در زمان‌هایی حس آسیب‌پذیری دیگران، عقیده‌ای که یکی برتر، منحصر بفرد و انتخاب شده بوده و باهم با دیدگاه‌های متکبرانه در مورد موفقیت‌ها و توانایی‌های خود است. توجه داشته باشید که ممکن است رفتارهای خودشیفتگی مانند جاه‌طلبی و انگیزه‌هایی برای موفقیت وجود داشته باشد (پینکاس و لاکووتسکی، ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد که این رفتارهای روان‌پریشی تدافعی بی‌نظمی حالات احساسی شان و روش‌های ناسازگارانه را برای غلبه بر خطراتی که خود آن‌ها را به تصویر کشیده‌اند را نمایش می‌دهد. (پینکاس و لاکووتسکی، ۲۰۰۹). بخاطر ثبات خود، ممکن است خشونت خود را به افراد دیگر نشان داده تا نشان دهند حق با آنهاست حتی زمانی که باور دارند که اشتباه کرده‌اند، از اینرو، انتقام به‌عنوان روشی برای بازیابی خویش‌شناسی، بزرگ‌نمایی، حس حق‌استحقاق، و برتری است (براون، ۲۰۰۴).

حس خودشیفتگی حق‌استحقاق باعث می‌شود که فرد جریانات را دستکاری کرده تا انگیزه‌های خود را فرو نشانند، چه اینکه کلاهبرداری، قتل، یا هردو باشد (البو، ۲۰۰۸).



کلاهبرداران خصوصیات خودشیفتگی شدیدی را نشان می دهند و امکان ندارد که آن‌ها را از ارتکاب کلاهبرداری بازدارد بخاطر اینکه نمی ترسند یا نسبت به مجازاتی که برایشان تعیین می شود ابایی ندارند (بوسی، ۲۰۰۸: ۴۱۷). خودشیفتگی مهم ترین عامل خطر بوده که به لحاظ تجربی با خشونت مجرم ارتباط دارد (بوشمن و بامیستر، ۱۹۹۸) مخصوصاً زمانی که دیدگاه متکبرانه مجرم با انتقاد یا تداخلی با برنامه ای بزرگ بهم می ریزد بخاطر اینکه براین تاکید می کنند شخصی است که قادر مطلق نبوده در حالی که خودشان چنین می پنداشتند که این چنین است (بامیستر، ۲۰۰۱). خود شیفتگان اغلب اوقات کسانی را که فکر می کنند نسبت به حس بزرگ نمایی و خودمحموری آن‌ها خطری محسوب می شود را هدف قرار می دهند (بامیستر، بوشمن و کامپل، ۲۰۰۰). علاوه براین، محقق مشخص کرده که خودشیفتگانی که خصوصیات حس استحقاق و بهره کشی از دیگران را نشان می دهند دوست دارند تا خشونت افراطی و خشونت زیان اور را نسبت به مردم بی گناه در نشان دهند که بدترین خصوصیات خودشیفتگی است (ریدی، زیچنر، فاستر و مارتینز، ۲۰۰۸b).

جامعه ستیزی، مجرم یقه قرمز و خشونت

مفهوم جامعه ستیزی به مجموعه خصوصیات و رفتارهایی فرد اشاره می کند که به لحاظ شخصیتی برجسته و غالب هستند (هیر، ۱۹۹۹)، باوجود این درباره خصوصیات شخصیتی که باید ایجاد شده و اینکه باید اندازه گیری شوند بحث هایی وجود دارد (شیم، ۲۰۱۱). جامعه ستیزان، خودمحمور بوده، دروغ می گویند، همدردی نمی کنند، وجدان ندارند، بهره جو بوده، زندگی انگلی دارند، به ناگهان انگیزه پیدا می کنند، خودشیفته بوده، به دنبال هیجان بوده، بی مسئولیت بوده، رفتارهای ضد اجتماعی را نشان داده و امیالی را دنبال می کنند که به نوعی



حقوق و احساسات دیگران را نادیده می‌گیرد (کلکلی، ۱۹۴۱، ۱۹۷۶، هیر، ۱۹۹۱، ۱۹۹۹). دکتر هیر توضیح می‌دهد، [امکان] دارد بتوانیم مردم را مجبور کنیم که به لحاظ احساسی با دیگران قطع ارتباط کنند می‌توانند این چنین کنند اگر افراد دیگر نیز بدون هیچ نگرانی می‌توانند موضوعاتی را دستکاری و نابود کنند (چیورز، ۲۰۱۴: ۳). نسبت به دیگران هیچ احساسی ندارند، آن‌ها می‌خواهند از آنچه که لذت می‌برند انرا انجام دهند؛ از هنجارهای اجتماعی و انتظارات جامعه بدون کمترین حس گناه یا پشیمانی تخطی می‌کنند (هیر، ۱۹۹۹، برکلی، ۲۰۱۰). اختلالات روانی و جامعه ستیزی می‌تواند همزمان رخ دهد (مورفی و وس، ۲۰۰۳)؛ رفتارهای متجانسی نبوده با دور از واقعیت هستند؛ هذیان نمی‌گویند و توهمی هم ندارند، این‌ها مهم‌ترین اختلالات روانی هستند (ملوی، ۲۰۰۲). بیشتر جامعه ستیزان جرائم یکدیگر را ستایش کرده و جنایت‌های آن‌ها مطابق روش و استراتژی انجام می‌شود و لولاینکه ممکن است که در زندگی بدون فکر قبلی کارهایی را انجام دهند (هانلون، ۲۰۱۰).

جامعه ستیزی نشانه جنایت نیست، با وجود این کسانی که جامعه ستیز هستند نسبت به افراد دیگر می‌توانند جرائمی را مرتکب شوند و خشن رفتار کنند (هرو و یوئیل، ۲۰۰۷) این چنین افرادی رفتارهای خودتخریبی کمتری را از خود نشان می‌دهند (کلکلی؛ ۱۹۴۱). این نتیجه‌گیری شاید به سبب مطالعات ماچونو و ملوی (۲۰۱۲) باشد که جامعه ستیزان همان زندانیان قدیمی هستند که هنوز وجود دارند؛ نمی‌توانند آینده را پیش بینی کنند و نمی‌توانند نتیجه اعمال خود را پیش بینی کنند، گذشته درخشانی ندارند (صفحه ۴۹). علاوه بر این، همه جامعه ستیزان مجرم خشن نبوده و مجرمینی نیستند که قبلاً زندانی بوده‌اند، برخی اخلاقیات را رعایت نمی‌کنند و افرادی هستند که در زمینه تجارت به دنبال طعمه‌های خود هستند (والش و هرمنز، ۲۰۰۸). جامعه ستیزی رفتاری اجتماعی بوده که نمی‌توان انرا در رابطه با مجرمین یقه قرمز نادیده گرفت (برامبرگ، ۱۹۴۸).



سوالی که اغلب اوقات مطرح می‌شود این است که در نبود احساسات هیجانی، نبود آگاهی و احساس همدردی با دیگران، این انسان‌ها چه خصوصیتی خواهند داشت؟ بر اساس تحقیقات دکتر روان شناس، لیام لیدام، در این چنین افرادی نبود احساسات باعث شده که نسبت به برتری، کنترل و قدرت انگیزه داشته باشند، احساس قدرت نسبت به دیگران برای آن‌ها لذت بخش است (لیدام، ۲۰۰۶). دیگر افراد جامعه ستیز، آدم کشی را تنها راه حل نهایی و قابل قبول برای کنترل دیگران می‌دانند. با روش دیگری می‌توانیم فکر کنیم که این افراد چه خصوصیتی دارند، دکتر روان شناس، مارتا استوت در ارزیابی خود از زندگی حرف می‌زند، مشاجره پایان می‌پذیرد و انسان‌ها همان قطعات دومینو هستند که به حرکت در می‌آیند، همانند سپرهایی بوده یا نابود می‌شوند، به همین دلیل است که روان درمانی، ضرورت است (استوت، ۲۰۰۵).

بنابراین شگفت نیست که مجرمان جامعه ستیز سعی می‌کنند که انسان‌های اسبب پذیر را بیابند (هاکانن - نیهام، ۲۰۱۲)، پروفیسور روان شناسی، دکتر رابرت ریبر این چنین درباره جامعه ستیزان بیان می‌کند، این چنین افرادی تنها می‌توانند با قربانی کردن، قدرتی داشته باشند. اگر قدرتی دارند، کس دیگری تاوان آنرا می‌پردازد. چیز دیگری وجود ندارد، در دنیای جامعه ستیزی همه چیز و همه کس ضعیف است، هرچقدر ضعیف باشید به همان اندازه ضربه خواهید خورد، به همین دلیل است که می‌خواهند کس دیگری را پیدا کنند (ریبر، ۱۹۷۷: ۴۷). جامعه ستیزان اگر متوجه شوند که دیگران آن‌ها را تهدید می‌کنند، لازم است که به لحاظ روانی و کنترل فیزیکی قوی باشند تا صلاحیت خود را تقویت کنند (مارتنز، ۲۰۰۳). جامعه ستیزی یکی از بهترین نشانه‌های تخطی و خشونت بوده و یکی از مشخص‌ترین خصوصیات جامعه ستیزی نبود همدردی و پشیمانی نسبت به دیگران بوده که بهترین نشانه تخطی بوده مخصوصاً زمانی که تحریک نمی‌شوند (ریدی، زیکنر، مارتینز، ۲۰۰۸). ماتنیز (۲۰۰۳) مطالعات خود را توسعه



داده، بر اساس تحقیقات این واقعیت مشخص شده است که خودشیفته جامعه ستیز به طور محتمل جامعه ستیزی است که از خشونت استفاده می‌کند (کیل و لیلن فلد، ۲۰۰۶) تا خود را بشناسد (پینکاس و لوتوویسکی، ۲۰۰۹).

جرم یقه قرمز و مجرم زن

آدم کشی‌هایی که بتوسط زن‌ها انجام شده، قتل ناشی از بیماری روانی، اجبار، سوءاستفاده یا دفاع از خود توضیح داده می‌شود (فالینگ استاد، ۱۹۸۹، ورانسکی، ۲۰۰۷). باوجوداین، زنان بیشتر با واکنش جرمی را مرتکب می‌شوند و خشونت آن‌ها بدین معنی نیست که می‌خواهند قدرت خودشان را نشان دهند - غضب یا ترس شان را نمی‌توانند کنترل کنند و حتی این نوع رفتار در آن‌ها محصور و پامال شده - و آن‌ها بدون اینکه بخوانند قتلی را بدون برنامه قبلی مرتکب می‌شوند. در بسیاری از علوم رفتاری مشخص و پذیرفته شده که زنان می‌توانند با نیت قبلی نیز خشن باشند (بکنر، ۲۰۰۵). باوجوداین، زمانی که دچار انحرافات جنایی می‌شوند، زنان می‌توانند دیگران را نیز بی‌آزارند. سوءاستفاده کرده، بکشند، ازارهای روحی بدهند، و با درد و ارباب برتری خود را به دیگران نشان دهند... مردان نیستند که خشن هستند (جک، ۱۹۹۹: ۱۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مجرم یقه قرمز و خشونت در محل کار

خشونت در محل کار به نوعی حمله فیزیکی بوده، رفتاری تهدید آمیز یا سوءاستفاده بوده که رخ می‌دهد یا در بیرون از محل کار رخ می‌دهد و ادمکشی نیست، یکی از مواردی است که منجر به قتل اشخاص در حین کار می‌شود (پری، برادی، ۲۰۱۱). مثال‌هایی در رابطه با



استخدام وجود دارد که ممکن است عوامل خطر بسیار بالایی در رابطه با خشونت نشان دهد کارهایی را شامل است که شامل تحرک در محل کار، به تنهایی کارکردن و کارکردن با شخص با روحیه لطیف را شامل می شود. (پری، ۲۰۱۱b). اگرچه در محل کار ریسک های بسیار زیادی وجود دارد، بر اساس تعصباتی مجرمان کارمندی می توانند و ممکن است که با قضاوت در مورد هرکسی که در آن عوامل خطر مشارکتی نداشته زمانی که وظایف حرفه ای خود را انجام می دهد می توانند نسبت به آنها خشونت بورزند.

نتیجه گیری

در طول چندین دهه خصوصیات مجرمین یقه سفید شناخته نشده بود و بر اساس تعصبی بود که تحقیقات دانشگاهی تابحال نتوانسته اند مشخص کنند که این نوع مجرمان خصوصیات رفتاری پالایش شده و دقیق تری دارند و با تحقیقات مشخص شده که همین مجرمان گرایش خشن را نیز دارند. همانطوری که ملاحظه کردیم، مجرمان یقه قرمز هرگز نادیده گرفته نمی شوند، خصوصیات رفتاری خاص و ضد اجتماعی دارند با مجرمان ادمکش خیابانی چندان تفاوتی ندارند. همانطوری که در ابتدای این مقاله نیز گفته شد، پژوهشگران رشته های مختلف زمان های و منابعی را مشخص کرده اند که به ما کمک می کند تا درک خود را نسبت به این گروه از مجرمان مرگبار، بدون مشخصه پالایش کنیم.

از انجایی که واژه مجرمین یقه قرمز برای اولین بار مطرح شده باید جامعه انرا درک کرده و تاثیر منفی جرم یقه سفیدی را نیز استنباط کند. عموم مردم در طی دوره های قبل زمانی که حرص و فساد و مشارکت در فساد شرکت های بزرگ را متوجه می شدند بیشتر خشمگین می



شدند. قبلاً "جرم یقه سفیدی این چنین تصور می شد که قربانی ندارد و لازم نیست که مجرم زندانی شده یا تنبیه های دیگری برای او مدنظر گرفته شود.

برخلاف تلاش هایی که قوه مقننه و دولت در این زمینه انجام داده، برای این گونه جرایم راه حل قطعی مشخص نشده و بدین ترتیب مصرف کنندگان، دولت، کارکنان، شرکت ها و افراد اجرایی نمی توانند این جرایم را متوجه شده یا نسبت به آن آگاه شوند. متأسفانه، نمی توان با مجموعه قوانین قدیمی و گذشته که تصویب شده جرایم یقه قرمز را تشخیص داد و باید برای آن قانونی وضع کرد. جرم یقه سفیدی و ارتکاب جرم یقه قرمز پدیده پایان ناپذیری بوده لازم است که جامعه همیشه بدان توجه داشته باشد و از پیامدهای خطرناک آن بر اجتماع جلوگیری نماید.

منابع:

مایکل ال بنسون و سالی اس سیمپسون، 1391 جرایم یقه سفیدی: رویکردی فرصت مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران، میزان

- Frank S. Perri, "Red Collar Crime", *International Journal of Psychological Studies*; Vol. 8, No. 1; 2016, p 61-84
- Barnum, A. "Hanson takes stand to deny killing relatives, stealing", 2008
- Baumeister, R. F., "Violent pride: Do people turn violent because of self-hate or self-love Scientific America", 51, 96-101.2001.
- Babbage M. "Killer Albert Walker pleads guilty to theft, fraud". 2009.
- Bakan J. "The Corporation: The Pathological Pursuit of Profit and Power". *The Free Press*; New York, NY: 2004.
- Bulwa, D., "Slaying or real estate investor tied to alleged bank fraud plot", 2009.
- Chambers, M., "Chief witness testifies on role in CBS killings". 2009
- Fraley, M., "El Sobrante man to stand trial in San Ramon financier's slaying". 2008.
- Jenish, D., Davenport E. "Walker money hunt". 1998.
- Levett, C., "Wansley killing: accused plotter acquitted". 2006.
- Lloyd, P., "Thai murder case continues". 2002.



- Perri, F.S., Lichtenwald TG. "A proposed addition to the FBI criminal classification manual: fraud-detection homicide". *The Forensic Examiner*. 22; 16(4):18-30. 2007
- Raab, S., "4th slaying linked to 3 on west side". 1982.
- Raab, S., "Slain woman had identified her employer as fraud key". 1982.
- Raab, S., "Bits of evidence are focus in the CBS killings". 1983.
- Rosenmerkel, SP., "Wrongfulness and harmfulness as components of seriousness of white-collar offenses". *Journal of Contemporary Criminal Justice*. 14(4):308-27. 2001.
- Stafford R. "The tale of two Timothy Wicks". 2006.
- Stotland E. "White collar criminals". *Journal of Social Issues*. 33(4):2-96. 1977.
- Walters, G.D & Geyer, M.D. "Criminal thinking and identity in male white-collar offenders. *Journal of Criminal Justice and Behavior*. 31(3):263-81, 2004.
- Weisburd, D., Waring, E & Chayet, FE., "White-collar Crime and Criminal Careers". *Cambridge University Press*; Cambridge: 2001.
- Perri, F.S & Lichtenwald, T.G. "The arrogant chameleons: exposing fraud-detection homicide". *The Forensic Examiner*. 22; 17(1):26-33, 2008.
- Sutherland, E.H., "White Collar Crime, Holt. Reinhart & Winston"; New York, NY: 1949.
- Richard, G., "Brody and Kent A. Kiehl. From white-collar crime to red-collar crime".
- Attempted Murder of a Fraud Examiner. 2009, available at: www.cpenet/fraudnews.htm.
- "Daughter of the Killer Albert Walker Breaks Silence". 2005. available at: www.ctv.ca/servlet/ArticleNews/print/CTVNews/20050319/sheena_walker_050318/20050319/?hub=CTVNewsAt11&subhub=PrintStory.
- "Ex-Wife Implicates Dennis Gaede in Murder". 2004. available at: www.channel3000.com/print/2885876/detail.html.
- "Gaede accused of stealing Wicks' identity". 2002. available at: www.wisn.com/print/1445255/detail.html.



“Gunman held for murder of Australian auditor”. 2002. available at: www.smh.com.au/articles/2002/08/22/1029114162697.html.

“Real Estate Fraud led to San Ramon Man's Murder”. 2008. available at: <http://cbs5.com/local/san.ramon.murder.2.713775.html>.

“White-collar Crime: History of an Idea – The Evolution of White-collar Crime”. available at: <http://law.jrank.org/pages/2312/white-collar-crime-History-an-Idea-evolution-white-collar-crime.html>.

